



شهادت روشنی بخش جامعه انسانی اندک عظمت را نمایان و ظالم را رسوا می نماید.

ابوالحسین یاسر
رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

www.Uaimp.com

هفتاد و هفتاد

در گستره سیاست، فرهنگ و جامعه



اعلامیه حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در پیوند حمله تروریستی بر دانشگاه کابل

بسم الله الرحمن الرحيم

« اُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِاَنفُسِهِمْ ظِلْمًا وَاِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ نُصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ »

جهال قرن زیر مجموعه ای گروه های تروریستی جهانی در جهت تطبیق نمودن برنامه های ضد بشری و ضد انسانی استعمار گران قرن، دانشگاه مرکزی افغانستان را مورد آماج حمله مسلحانه قرار دادند تا روحیه ای ضد علم و اندیشه وری را با خاک و خ...



گروه های تروریستی جهانی در جهت تطبیق نمودن برنامه های ضد بشری و ضد انسانی استعمار گران قرن، دانشگاه مرکزی افغانستان را مورد آماج حمله مسلحانه قرار دادند تا روحیه ای ضد علم و اندیشه وری را با خاک و خون گشاییدن دانشجویان و استادان در مدیریت جنگ اسلام ستیزی جهانی بر ضد کشور اسلامی ما به نام دین انجام دهند.



انسان در تاریخ همواره قربانی خشونت ویران و پشیمان بوده است. مدعی خون بر دانشگاه کابل



افغانستان از نقطه ضعف تا استانه یک گذار



روپه ادعا و وثایع محرم در تاریخ افغانستان



زندگی دانه شعبه انعام میده انعمت رهتوان پامیانی

اداره حاما

هر طر پر از ناله و هربند پر از درد ماسخ ترین صفحه ی تاریخ جهانیم

نشست فرماندهان جهادی حرکت اسلامی

جمع کثیری از فرماندهان جهاد و مقاومت حرکت اسلامی افغانستان در حوزه کابل و ولایات همجوار در یک نشست و گردهمایی که در دفتر مرکزی حرکت اسلامی متحد افغانستان دایر گردید،...



اداره ص ۶



اعلامیه حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در پیوند حمله

تروریستی پر دانشگاه کابل



سرمقاله

حمله ی خونین پر

دانشگاه کابل

۱۶ / ۵ / ۱۳۹۹

انسان در تاریخ همواره قربانی خنونت عریان و پنهان بوده است. روز دوشنبه چنگال خون آلود و وحشت انگیز خنونت و بی رحمی، حلقوم نازک و بی گناه دانشجوین دانشگاه کابل را بریدند. از خون سرخ آنها زمین را رنگین ساخته و آذمخواری نمود با هطرات خون آنها ثبت تاریخ کردند.

ما این جنایت ضد بشری و این تراژیدی سنگین و این حادثه ی اندوهناک را محکوم کرده و برای مردم شریف افغانستان و بازماندگان آن حادثه، تسلیت عرض می داریم. اما لازم است که ما تا آنکه این حادثه بوده، بلکه آتراجدی گرفته و مربوط به سرنوشته خود دانسته و من باب ادای مسئولیت و باز کردن باب دیالوگ با جامعه ی مان، مواردی را بر می شماریم:

۱- حمله های تروریستی انتحاری و انفجاری خونین، بر مساجد، مراکز آموزشی، مراسم های عروسی بالاخره در درون جمعیت های مترکلم، هزارویمی است که به خاطر در بین مردم رعب ایجاد کرده و زمین ساز سپروزی گروه های تروریستی شود، اما در حقیقت پشت این حمله ها، نیروهای خطرناک وجود دارد که موجب سبج و تخرک فریب خوردگان احمق می شود. بنابراین مدار و کنترل حمله های انتحاری، بدون نابودی آن فلسفه ها، آموزه ها و شعارها ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، اصلاح گروه های تروریستی، در کرب و نابودی اندیشه های است که از لحاظ فکری تغذیه می شود.

۲- حکومت جمهوری اسلامی افغانستان در صورتی می تواند در این نبرد موفق شود که نکات ذیل را مورد تامل قرار دهد:

الف) حکومت، در قبال مردم و شهروندان افغانستان صداقت داشته باشد و آنها را نسبت به تمام چالش ها و حوادث کشور آگاهی بخشد و با آنها مشورت نماید.

ب) بدترین امر، نوعی بازی با شعور ملی است: از قبیل گلبه ها، سینارها و جلسه های مشورتی که بر اساس تعارف، تشریفات و فرمایش های پنهانی باشد. دور از اینکه زنده سازها، حکومت مردم را در جریان حوادث جاری گذاشته و در حقیقت تصمیم گیرنده مردم و جامعه باشد.

ب) حکومت برای تقویت خود و برای دفاع از منافع ملی این کشور ضرورت دارد که با فساد اداری مبارزه کند و در دوی ملی، پلیس ملی و امنیت ملی از ویروس کشنده ی مصلحت، واسط، ارتباط و رشوت خبری نباشد. آنچه که نظام کشور و حکومت را تضعیف میازد و پیش از دشمن به سقوط موجه میازد، فساد دوی خود حکومت خواهد بود. حکومت حرج بیشتر بر اساس سائنه بالاری حرکت کرده و تمام فعالیت های شان مبتنی بر ظرفیت و پتانسیل های موجود جامعه باشد، موفق تر خواهد بود.

ج) از حمله های تروریستی، نباید عبور شود، بلکه به عمیق فاجعه های پلیدی که دشمنان کشور خلق میکند، توجه شود. حکومت با تجربه از گذشته، موفق به مبارزه علیه گروه های تروریستی گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

نقاط کشور می باشند. برای شهدای پرپر شده حوزه علم و معرفت در دانشگاه کابل و سایر شهدای مظلوم حوادث اخیر در کشور غفران الهی و برای بازماندگان و کافه مردم افغانستان صبر جمیل بر محوریت خود آگاهی و مسئولیت پذیری در قبال حوادث کشور از بارگاه رب العزت مسئلت می نماید.

شورای رهبری

حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

دانشگاه کابل را حمله بر جبهه علم و دانش دانسته آن را جنایت علیه بشریت میدانند. عاملان و طراحان حمله مذکور را به عنوان جنایت کاران جنگی دانسته عدم مسئولیت پذیری گردانندگان امور امنیتی و اداری کشور را نمی پذیرد و اعلام می دارد کسانی که مسئولیت تأمین امنیت مردم و کشور را عهده دار هستند در پیشگاه افکار مردم افغانستان مسئول بوده جوابگوی خون های به نا حق ریخته شده در دانشگاه مرکزی کابل و سایر

جهال قرن زیر مجموعه ای گروه های تروریستی جهانی در جهت تطبیق نمودن برنامه های ضد بشری و ضد انسانی استعمار گران قرن، دانشگاه مرکزی افغانستان را مورد آماج حمله مسلحانه قرار دادند تا روحیه ای ضد علم و اندیشه وری را با خاک و خون کشانیدن دانشجوین و استادان در مدیریت جنگ اسلام ستیزی جهانی بر ضد کشور اسلامی ما به نام دین انجام دهند. حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان حمله بر

نشست فرماندهان جهادی حرکت اسلامی

جلسه با اعلام همدگر پذیری و هماهنگی و اتحاد دعا برروان شهدای دانشگاه کابل، کورس

قرار گرفت تا متناسب با اوضاع سیاسی و امنیتی کشور بر محوریت فعالیت های مردمی و تشکل

جمع کثیری از فرماندهان جهاد و مقاومت حرکت اسلامی افغانستان در حوزه کابل و ولایات همجوار



آموزشی کوثر دانش، نیروهای قهرمان دفاعی و امنیتی در ولایات تخار، خوست، هلمند، قندهار و سایر شهدای مظلوم حوادث اخیر کشور و عرض تسلیت به کافه ملت زجر دیده افغانستان توأم با خود آگاهی سیاسی و اجتماعی و همدگر پذیری بر محوریت منافع علیای وطن به پایان رسید.

ریاست سیاسی

حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

های متناسب با بحران های ایجاد شده، فعالیت هدمندانه و متغیرانه حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در شرایط بحران سیاسی- امنیتی کشور تبیین گردد تا در صورت نیاز به عنوان یک استراتژی مبارزاتی متغیر در جهت دفاع از ارزش های پذیرفته شده ملی و دینی خویش به آن عمل نماید.

در یک نشست و گردمایی که در دفتر مرکزی حرکت اسلامی متحد افغانستان دایر گردید، اوضاع جاری کشور را در ابعاد امنیتی و سیاسی و قضایی مرتبط با مذاکرات صلح افغانستان که در دوحه قطر ادامه دارد به بحث و تبادل نظر پرداختند. در جلسه متذکره اوضاع سیاسی و امنیتی کشور به شکل تحلیلی و راهبردی مورد بحث و مذاقه



افغانستان از نقطه عطف تا آستانه یک گذار

مهردادین مشید

بخش آخر

در همین حال گمانه زنی هایی وجود داشت که در صورت عدم توافق طالبان و حکومت ممکن آمریکا نسخه صلح خود را بوسیله مقام های قطری به رئیس جمهور غنی تقدیم نماید. هرچند تا کنون چنین اتفاقی بوقوع نپیوسته است؛ اما از شتاب آمریکایی ها برای خروج و تمایل شان برای صلح معلوم می شود که آنان در صدد خروج زود هنگام از افغانستان اند و برای تکمیل وعده های شان با طالبان شتاب زده عمل می کنند. چنان که ترامپ بدون در نظر داشت پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن در توییت ۹- اکتبر خود گفت که نیروهای آمریکایی باید تا کرسمس - بیشتر از دو ماه دیگر - به خانه برگردند. اما، ساعاتی پیش از توییت آقای ترامپ، رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی آمریکا گفت که شمار نظامیان آمریکایی مستقر در افغانستان تا اوایل سال ۲۰۲۱ به ۲۵۰۰ تن کاهش خواهد یافت. در عین حال خلیل زاد نیز از توافق زود هنگام خبر می دهد. چنان که تخریب ۴۰۰ پایگاه نظامی خود را در افغانستان آغاز کرده اند و گفته می شود که آمریکا علاقمند حفظ چهار یا پنج پایگاه نظامی خود در افغانستان است و هنوز بر سر این موضوع با طالبان به توافق نرسیده اند. آمریکا پیش از این هم چندین پایگاه خود را در افغانستان تخریب کرد و به ارزش هفت میلیارد دلار اسلحه

سبک و سنگین را به پاکستان سپرد و در حالی که نیرو های دفاعی کشور از نداشتن اسلحه ثقیل رنج می برند. حال پرسش این است که با توجه به گفته های بالا، چقدر گفته می توان که افغانستان در نقطه عطف قرار دارد که در عقب آن مرحله گذار به صلح سراسری را پیش بین بود و از آن به عنوان نقطه عطف و سرنوشت ساز پنجم در تاریخ کشور یادآور شد. یا این که نقطه ناپیدای عطف را باید در فشار های کشور های جهان و منطقه بویژه آمریکا می توان پی جویی کرد که با افزایش فشار بر پاکستان و آمریکا و طالبان و تمامی طرف های درگیر ممکن به نظر می رسد.

در این میان آنچه مسلم است، این که بیشتر از یک ماه از آغاز نشست دوحه سپری شده و هرچند هیئت های تسهیل کننده روی ۱۸ موضوع به توافق رسیده اند و اما هنوز نتوانسته تا روی دو موضوع چون فیصله ها بر بنیاد فقه حنفی و قبولی توافقنامه دوحه به مثابه مادر و چگونگی حکومت در دور انتقال به توافق برسند. از جمله این دو موضوع یکی آن خیلی مهم است که سطحی عبور کردن از آن حتا موضع دفاع از جمهوریت را زیر پرسش می برد و خاطره های معاهده های استعمار کهن را در افکار تداعی می کند که مهاجمان خواست های پیشینه و پسینه شان را بالای کشور تحت استعمار تحمیل می کردند. آمریکایی ها در حالی به صلح دوحه بحیث مادر تاکید دارند که پیش از توافق روی موضوع «آتش بس دائمی»، کلیه تعزیرات موجود علیه طالبان رفع و تمام زندانیان این گروه از بند رها می شوند و از این رو مذاکره روی «نقشه راه

طالبان در مورد توافقنامه دوحه معنا دار است و آنان می دانند که با مادر قرار گرفتن آن نخستین موضوعی که روی میز قرار می گیرد، رهایی کامل زندانیان طالبان و همین طور رفع کلیه تعزیرات علیه این گروه است. در گام بعدی، موضوعی که روی آن باید بحث شود، «نقشه راه سیاسی آینده افغانستان» است. پس از حصول توافق روی این موارد، موضوع «آتش بس دائمی و فراگیر» مطرح می شود. در حالی که اعلامیه مشترک کابل - واشنگتن در حالی که با بخش هایی از توافق نامه دوحه دچار تعارض است، در کلیت پیرو همین توافق نامه است. در این اعلامیه اصطلاح «توافق سیاسی» دو بار مقدم بر اصطلاح «آتش بس دائمی» ذکر شده است که باید از طریق مذاکرات مستقیم بین دولت و طالبان حاصل شود؛ به این معنا که بدون «توافق سیاسی» بین دو طرف، «آتش بس دائمی» برقرار نمی شود. درست همین نکته مایه نگرانی برای حوزه جمهوریت است.

تها موضوع سخت طالبان دفاع از جمهوریت را زیر پرسش نبرده است؛ بلکه پشت پا زدن به ارزش های جمهوریت آن را به مار زخمی در افغانستان بدل کرده است؛ زیرا بحث بر سر جمهوریت دفاع از نظامی است که زمامداران آن افراد پاک و با وجدان و وطن دوست و خدمتگار مردم و همدیگر پذیر و مشتاقان همدایی باشند و نه مشتکی دزد و اوباش و فاسد و غدار و غاصب که زیر نام جمهوریت برگردن های مردم سوار شوند. بنا بر این گزینش دقیق طالبان نشانگر این است که آنان از مشورت ها و رهنمایی های لازم و بسنده کارشناسان پاکستانی ها برخوردار هستند. از اظهارات خلیل زاد مبنی بر تایید موضع طالبان فهمیده می شود که دست مهر او هم بر ناف طالبان سنگینی می کند. این در حالی است که هنوز نشست اصلی آغاز نشده و موضوع های اصلی چون؛ نحوه حکومت و تغییر قانون اساسی و چگونگی ادغام طالبان و چیز های دیگر مطرح نشده است. در حالیکه مسایل بالا اساسی ترین

بحث های بین الافغانی را تشکیل می دهند. از به نتیجه نرسیدن هیئت های تسهیل کننده و انعطاف ناپذیری ها در مدت یک ماه فهمیده می شود که بحث روی موضوع های اصلی شاید ماه ها و حتا

سیاسی آینده افغانستان» بدون برقراری «آتش بس دائمی» برای دولت بسیار مرگبار خوانده شده است. طالبان در پیوند به آتش بس نگاه تاکتیکی دارند و در به تاخیر افتادن آن، بیشترین نفع را در سه مورد دیگر خواهند برد. بنا بر این پافشاری

سال ها را در بر بگیرد و شاید هم تا چهار سال ادامه یابد. از نرمش ناپذیری ها و موضعگیری های خصمانه فهمیده می شود که درازراه صلح طولانی تر از گمانه زنی های نخستین است. هرگاه چنین شود، تشدید حملات روز افزون طالبان آینده تیره و تار را برای مردم افغانستان خبر میدهد. هرچند با خروج خارجی ها مشروعیت جنگ طالبان از میان رفته و حیثیت جنگ آنان از سکوی جهاد به پرتگاه باغبان سقوط می کند و آنان نمی توانند، کشتار ها و بی رحمی های شان را رنگ اسلامی بدهند و بعید است که نظامیان پاکستان دست از حمایت طالبان بردارند. یک راه میان بر وجود دارد که همانا متقاعد ساختن پاکستان از حمایت طالبان بوسیله فشار است که کوتاه ترین راه برای نابودی طالبان است. بند شدن اکمالات طالبان از سوی پاکستان و وضع محدودیت بر فعالیت های تروریستی آنان عمر آنان را کوتاه و شکست آنان را ممکن می سازد. اما این در صورتی ممکن است که اختلاف در کابل میان حکومت و گروه های سیاسی به صفر تقرب کند و حکومتداری بهتر شود و افراد فاسد و بدنام از مقام های ارشد به زیر افکنده شوند تا دست کم طالبان بدانند که دموکراسی نظام فساد پراکنی و غارتگری و قوم گرایی نه؛ بل یک نظام انسانی است که اسلام نیز در آغوشش مجال زیستن و رشد و پیشرفت را پیدا می کند. هرگاه حکومت افغانستان بتواند اصلاحات گسترده یاد شده را در حوزه های گوناگون در پیش بگیرد و جمهوریت را نه در شعار؛ بل در عمل پیاده کند. در این صورت هرگاه طالبان پس از خروج خارجی ها به خشونت ادامه بدهند بدون تردید در بستر چنین نظامی ذوب می شوند. درست است که طالبان دست ساخت آی اس آی است و اما قدرتمندی شان محصول اشتباهات و ناکارایی ها و حکومتداری فاسد است که فقر و بیکاری برخاسته از آن فرصت سربازگیری برای طالبان را داده و هزاران تن را به صفوف آنان کشانده است؛ اما با تاسف تلاش ها برای دامن زدن به تنش های قومی و زبانی در موجی از خودکامگی و استبداد و تبعیض که عواقب خطرناکی در پی دارد و کشور را به پرتگاه طالبانی می برد، چنان در کشور بیداد می کند که شناس پیروزی دولت افغانستان در برابر طالبان را اندک ساخته و حتا به صفر تقرب می کند. این آقایان نمی دانند که تنوع زبانی و قومی گل های رنگارنگ و ابزار شناخت مردم افغانستان است.

این در حالی است که همه به نتیجه گفت و گوهای صلح دوحه چشم دوخته اند و بی صبرانه منتظر اند تا جنگ چهل ساله ای که یک نسل را از میان برد و نسل دیگری را پیر ساخت و در نتیجه آن نسل امروز در نشیب و فراز این بازی احساس تنهایی و بی

پناهی می نمایند. مردم در حالی در آتش این انتظار می سوزند که می دانند، سناریو نویسان جنگ نیم قرنه افغانستان دیگران بودند و آشکار است که سناریوی صلح هم در دست دیگران است. با این حال آنانی که عراده جنگ را تا اکنون به حرکت در آورده اند و بدون تردید کشتی توفان زده صلح را هم به منزل مقصود خواهند رساند. واقعیت های تلخ در چند دهه اخیر ثابت کرده است که مردم افغانستان حیثیت بازیکنان ثانوی را داشته اند که در نتیجه بازیچه دست سناریو نویسان بیرونی بوده اند. پس داستان دنباله دار صلح با طالبان هم از چنین سناریو ها آب می نوشد. آمریکا، زمانی به طالبان به بهانه گفت و گوهای صلح، مشروعیت منطقه ای و جهانی بخشید که ۱۹ سال پیش به بهانه نابودی آن ها به افغانستان لشکر کشی کرد؛ اما امروز مشتاق است تا آنان را در خوان قدرت شریک نماید.

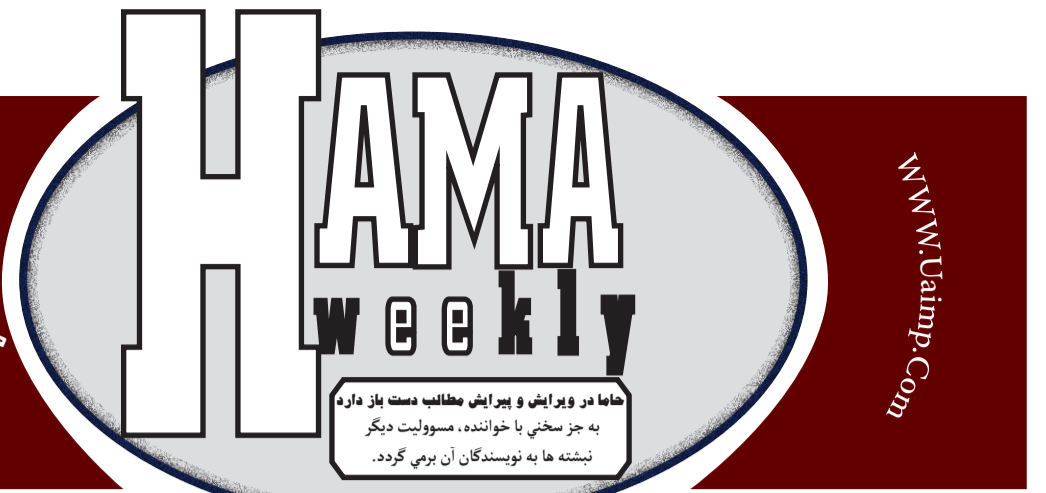
از آنچه گفته آمد، بدون تردید افغانستان خواهی و نخواهی نقطه عطفی را در پیش دارد که گذار حتمی را به سوی سرنوشت مبهم در پیش دارد که در هر حالی خطر آن جمهوریت را سخت تهدید می کند که با خروج نیرو های خارجی و همدستی پاکستان با طالبان در موجی از «شباباسی» گفتن های خلیل زاد برای نظامیان اسلام آباد و احتمال قطع کمک ها به نظامیان افغانستان و موجودیت دشواری های نفس گیر عمده و دست و پاگیر در حکومت و نارضایتی روز افزون مردم از آن برگ برنده در دست طالبان را می دهد تا از این فرصت به سود خود استفاده اعظمی نمایند. گفته می توان که در صورت نرسیدن به یک توافق خطر بالقوه موجود به خطر بالفعل مبدل می شود و آینده زود هنگام پرمخاطره را در افکار تداعی می کند که بیشتر برضد جبهه جمهوریت و به سود امارت است؛ زیرا ترس آن می رود که طالبان از چالش های موجود در داخل بحیث فرصت به سود خود استفاده کنند و با تبلیغات گسترده به بهای بازی با افکار عامه با بهم زدن زود هنگام اوضاع همه چیز را در نقطه عطفی به سوی یک گذار نامیمون به سود خود رقم بزنند که آنگاه هر نوع تدبیر کاری را از پیش نخواهد برد. آنگاه خدای نخواسته مردم مظلوم افغانستان در کام طالبان خواهند افتاد و در زیر شلاق های آنان خورد و خمیر خواهند شد و تاسف آور این که جمهوری خواهان « پرو پاقصر» با رها کردن مردم در کام هیولای طالبانی از نخستین کسانی خواهند بود که افغانستان را ترک خواهند کرد. آنگاه این ندامت دردناک که بخاطر چند روز ماندن در قدرت که چگونه سرنوشت ملتی به بازی گرفته شد، هیچ دردی را دوا نخواهد کرد. یاهو

پایان



صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان
 مدیر مسوول: غلام علی صارم
 سر دبیر: محمد عیسی سروش
 گزارشگران: حامدا
 گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجنیرمحمدعسکر فلاح،
 فرهاد محض یار
 طراح: محمدشفیع عزیززاده
 نشانی:
 کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم
 نشانی برقی:
 info@uaimp.com
 Web: www.uaimp.com

جِلَّةُ الرَّحْمِ وَ حَسَنُ الْجَوَارِ يَحْتَمِلَانِ الْخَيْبَرَ وَ يَبِيحَانِ فِيهِ الْأَعْتَابَ
 صدر عم و خوش مسکین، شہر مارا آباد و عمر مارا آبادی کند
 «کافی (۱) - (الاسلامیاج) ۲، ص ۱۵۲، ج ۱۴۶»



رویدادها و وقایع مهم در تاریخ افغانستان؛



نگارش فدوی

کابل فرستاده می شد و بیماران و زخمی های شان نیز در شفاخانه چهارصد بستر اردو در کارته وزیر اکبر خان تداوی می شد. اما، ناگهان طالبان پوستین های شان را چپه پوشیدند و به استاد ربانی اخطار دادند که حالا وقت ان رسیده است که زمام قدرت را به دست ما بسپاری تا ما حکومت دلخواه خود را در این سرزمین پیاده نمائیم. خودت به هر طرف که می خواهی بروی آزادی ... زمامداران دولت مجاهدین تازه فهمیدند که شعارهای فریبنده کرنیل امام مبنی بر امن سازی راه ها چی معنی دارد؟ استاد ربانی به تقاضای طالبان جواب رد داد. طالبان هم برنامه های ستیزه جویانه راکت پرانی را بالای شهر کابل شدت بیشتری بخشیدند و اکثراً راکت های «سکر - ۴۰» و «سکر - ۶۰» ساخت استخبارات پاکستان را روی شهر کابل شلیک می کردند! به هر حال، دولت استاد ربانی در برابر طالبان حملات شان را آغاز نمودند و به تاریخ ۲۷ حوت ۱۳۷۳ قوای دولتی بر نیرو های طالبان یورش بردند و آنان را از چهار آسیاب و میدان شهر عقب زدند.

ادامه دارد...

آقای آمر مسعود در جریان گذاشت، آنان هم که از دست راکت باران حزب اسلامی حکمتیار بالای شهر کابل، به ستوه آمده بودند، به گفته های ملانقیب اعتماد کردند و طرح کرنیل را پذیرفتند و تمام هزینه ها و مصارف غذایی، تسلیحاتی و لجستیکی طالبان را متقبل گردیدند. به دنبال آن، طبق طرح کرنیل امام، مولوی فضل الرحمن، مولوی سمیع الحق و چند مدرسه دار دیگر نیز مدارس شان را تعطیل کردند و طالبان آموزش دیده افغانی، پنجابی، قبائلی و سندی زیر دست شان را گروه گروه برای پیوستن به صفوف طالبان در داخل افغانستان اعزام داشتند. خاطره: یک شب ما با تعدادی از دوستان، به منزل مرحوم داکتر عبدالرحمن رفته بودیم، ایشان گزارش دادند که تعداد و آمار طالبان روز بروز افزایش می یابد و به طور نمونه ابراز داشت که تنها مصارف روغن خوراکی روزمره طالبان به ۴۳ قوطی روغن ۱۷ کیلوئی رسیده است!! به تناسب آن شما گوشت، برنج و سائر اقلام مواد غذایی شان را حدس بزنید که به کجا می رسد!!؟ به هر حال، وقتی طالبان به لوگر و نزدیک میدانشهر رسیدند نیرو های حزب اسلامی، سنگرهای شان را ترک کردند و به طرف سروبی و لغمان اسباب کشی نمودند... به محضی که طالبان در سنگر های متروکه حزب اسلامی در چهار آسیاب و میدانشهر مستقر شدند، مواد غذایی همچنان برای شان از طرف دولت

هر قدر اصرار کردم که اینبار با دفعه قبلی فرق می کند، اینها می خواهند الگوی استالین در بخارا را در اینجا پیاده کنند و از وجود شما علماء می ترسند و از قدرت بیان تان در بسیج مردم علیه این رژیم هراس دارند. برایش گفتم: بهتر شما با سائر علماء به طرف چهارکنت رهسپار شوید و در بسیج مردم بر علیه کمونیست ها نقش بگریید بهتر است. ایشان قبول نکرد و گفت: نگران حال من نباش، به امید خدا که هیچ کاری از رخ شان نمی آید. بار دیگر اصرار ورزیدم تا از شهر مزارشیرف خارج شود، دیدم اصرار فایده ندارد و با ایشان خدا حافظی کردم و پی کارم رفتم. متأسفانه در همان شب بود که شنیدیم آقای آیت الله بحر، آقای آیت الله شیخ سلطان ترکستانی، آقای سید عابدین واعظ، آقای شیخ قنبر، آقای شیخ قربان را دستگیر کردند و دیگر از سرنوشت شان کسی اطلاع نیافت. روز بعدش شنیدیم که آقای آیت الله سید سرور واعظ، آقای آیت الله شیخ محمد امین افشار، آقای محمد حسین مصباح، آقای میر علی احمد عام، آقای عبدالحمید ناصر، آقای شیخ مبلغ و تعداد کثیر دیگری از علماء را در کابل و جاهای دیگر دستگیر کرده اند و سر انجام همگی به وسیله حفیظ الله امین سفاک به شهادت رسیدند که روح همه آنان شاد و جایگاه شان بهشت برین باد! ورود طالبان با طرح کرنیل امام

زندگی نامه شهید الحاج عبدالحسن رضوانی بامیانی

عالم، فاضل و روحانی توانمند و ایثارگر الحاج عبدالحسن رضوانی بامیانی در یک خانواده متدین، علم پرور و روحانی در ولایت بامیان چشم به جهان گشوده و تعلیمات و تحصیلات خویش را در داخل کشور به بهره رسانیده و برای فراگیری تحصیلات عالی (جوزوی) بخارج از افغانستان سفر نموده و بر اساس رسالت و مسوولیت اسلامی و انسانی شان بعد از کودتاه تکمیل ۷ ثور ۱۳۵۷ به صفوف مجاهدین حرکت اسلامی افغانستان آمده و جهاد مبارزه را بر علیه اشغالگران روسی و نوکران شان در اکثریت جهات حرکت اسلامی افغانستان براء ادا نمودند. الحاج آقای رضوانی بامیانی که یک عالم و روحانی ایثارگر و توانمند بودند برای کسترش



معارف انسان ساز و اسلامی برادران را در جهات مختلف یاری رسانیده و رهنمائی نمودند و بحیث مسوول عمومی شورای عالی ایثار صفحات مرکزی حزب حرکت اسلامی افغانستان مصدر خدمات شایانی شده بودند که آن همه ایثار و فداکاری و زحمات شگفتی نام پذیر شان بیده قدر نگریسته میشود. شهید الحاج عبدالحسن رضوانی بامیانی با توطئه خانانز گروه منافقین در سال ۱۳۷۴ بدرجه رفیع شهادت نائل شدند. روحش شاد و یادش گرامی باد!

اشاره وقتی ما به تاریخ خونبار کشور خود افغانستان خوب نگاه کنیم، می بینیم که مملو از فراز و نشیب هائی است عبرت آموز! هر قدرتی که دلش خواسته است تا قاره آسیا را درنوردد، سرزمین افغانستان را به عنوان یک چهار راه نبردگاه مورد هجوم و تاخت و تاز قرار داده است!! می دانیم که باشندگان این خطه مقاوم جز صفت تسلیم ناپذیری چه داغی بر آن ها نهاده است؟! از اسکندر مقدونی گرفته تا چنگیز، تیمور لنگ، استعمار انگریز، استعمار شوروی و امروز هم استعمار نوخیز پاکستان، چه جنایات وحشتبار و ویرانگری را در حق مردم و کشور ما مرتکب نشدند؟! کمونیست ها و دستگیری علمای شیعی ۲۷ حوت ۱۳۵۸: کمونیست های افراطی و خونریز، با الگو برداری از اقدامات خونین و جنایتبار «استالین» در کشورهای مسلمان نشین آسیای میانه، بخصوص «بخارا» که بر مدارس دینی و مساجد مسلمانان یورش بردند و علماء و طلباء دینی را دستگیر و همه را تیرباران کردند، در افغانستان نیز طی یک شبانه روز، در ۲۷ حوت ۱۳۵۸، در اولین اقدامات ضد دینی خود، علمای سر شناس شیعی را دستگیر نموده و سرانجام همه را به شهادت رساندند!! خاطره:

نگارنده در آن زمان در یک دواخانه در شهر مزار شریف به حیث فارمسست ایفای وظیفه می نمودم. یکی از دوستان پشتون که جوان بسیار با دود و متدینی بود، ظاهراً شامل شبکه حزبی خلق شده بود، به نزد آمد و گزارش داد که طبق فیصله بیوروی سیاسی حزب خلق در کابل، تصمیم گرفته شده است که در اولین قدم علماء و روحانیون شیعی را هر چه عاجل دستگیر نمایند که وجود و تبلیغات شان برای حزب خلق و نظام کمونیستی خیلی خطرناک است. قرار است که طی همین امشب و فردا تمام علمای سر شناس شیعه ها را دستگیر نمایند. بنده هم با چند تن از دوستان دیگر تصمیم گرفتیم تا این موضوع را برای یکایک علماء شهر مزار شریف اطلاع رسانی نمائیم. هر کدام وظیفه گرفتند و خودم راه اقتادم تا «حاجی آقای سید عابدین واعظ» را از جریان آگاه بسازم. وقتی وارد جاده مندوی مزارشیرف گردیدم، دیدم ایشان از جلو رویم می آید. پس از سلام علیکی و احوالپرسی مختصر، دستش را گرفتم و جریان را آهسته برایش گزارش دادم. خنده ای سر داد و گفت: نترس، شما هنوز جوانید و خون تان گرم است و زود احساساتی می شوید. ما دیگر از این ها نمی ترسیم. دفعه قبل هم ما را زندانی ساختند و سرانجام مجبور شدند که از ما عذر خواهی کنند و با احترام ما را به خانه های ما برسانند. گفتم: حاجی آقا، همان عذرخواهی جز مکر و فریب چیز دیگری نبود، اگر اینبار شما را بگیرند و ببرند، مشکل است که سلامت رهایتان سازند. دستش را روی شان ام گذاشت و گفت: نترس، به توکل خدا که هیچ کاری از دست شان بر نمی آید.